

## ترجمان ترجمه

زهرا جلال‌زاده

امسال سه مترجم مجموعه داستانهای جوپا لاهیری را، به نام *Interpreter of Maladies*، ترجمه کردند. این نویسنده هندی متولد لندن و مقیم نیویورک برنده جوایز زیر بوده است: پولیتزر سال ۲۰۰۰، بهترین کتاب اول نیویورک، پن همینگوی، کتاب برگزیده پابلیشرز ویکلی، آدیسن مت‌کاف از آکادمی هنر و ادبیات امریکا، کتاب برگزیده نیویورک تایمز، و آ. هنری؛ همچنین نامزد دریافت جایزه لوس آنجلس تایمز بوده است. نویسنده با زبانی ساده و شیوا زندگی‌های هندیهایی خارج از هند را در غرب روایت می‌کند.

ترجمه همزمان این اثر با سه مترجم و ناشر مختلف شاید به خودی خود ناپیچان نبوده باشد. در دیگر کشورها نیز بسیاری از آثار بزرگ نویسندگان را مترجمان مختلف ترجمه کرده‌اند. چرا که در ادبیات و هنر به تعداد مخاطبان آن برداشتهای مختلف وجود دارد که هر یک جایگاه خود را داراست. اما درباره این اثر ادبی طرح دیدگاههای مختلف مطرح نبوده است. بلکه هر سه مترجم این کتاب با دیدن کارنامه درخشان این نویسنده که مخاطبان بسیاری را به خود جلب می‌کند اقدام به ترجمه این اثر کردند که تازه بعد از اتمام کار خود به وجود ترجمه رقیبان پی بردند. در اینجا قصد من طرح مشکلاتی از این دست نیست و با ذکر این مقدمه وارد بحث اصلی، یعنی نقد این سه ترجمه، می‌شوم.

تینا حمیدی، آن را مترجم ناخوشیها ترجمه کرده است. ناشر وی نشر ویداست که کتاب را در قطع رقعی، در ۲۰۲ صفحه به قیمت ۱۲۰۰ تومان درآورده است. این مجموعه ۸ داستان کوتاه را در بر می‌گیرد که بعد از مقدمه مترجم جای گرفته‌اند.

مژده دقیقی نام ترجمان دردها را برای کتاب خود برگزیده است. انتشارات هر مس این کتاب را در قطع پالتویی، در ۱۹۷ صفحه به قیمت ۹۸۰ تومان منتشر کرده است. در ترجمه وی بدون هیچ مقدمه‌ای ۸ داستان این مجموعه را می‌خوانیم.

امیر مهدی حقیقت مجموعه خود را با نام مترجم دردها با نشر ماهی درآورده است. این کتاب در قطع رقعی است. در ۲۶۶ صفحه، با قیمت ۱۹۵۰ تومان. مجموعه وی گزیده‌ای از نقد مطبوعات و نویسندگان، مقدمه مترجم، ۹ داستان، یادداشتی از نویسنده، و دو گفتگوی مطبوعاتی با نویسنده را شامل می‌شود. یادداشتها و ضمائم وی خواننده را هرچه بیشتر با این نویسنده آشنا می‌کند.

آنچه در نگاه اول جلب نظر می‌کند ضبط نام نویسنده، Jhumpa Lahiri، است. حمیدی و دقیقی آن را جوپا لاهیری و حقیقت جامپا لیری گفته‌اند. معمولاً در ضبط اسامی به زبانی دیگر از حروفی استفاده

می‌کنند که تلفظ آن اسم را که غالباً رنگ و بویی بیگانه دارد برای اهل آن زبان راحت‌تر کند. بنابراین تلفظ حرف <u> نمی‌تواند /Ā/ باشد. پس جو مپا صحیح است. حرف <h> نیز هر گاه میان دو مصوت قرار گیرد باید آن را تلفظ کرد، یعنی لاهیری درست است.

همانطور که خزاعی فر (۱۳۸۰) می‌گوید، در ترجمه ادبی سه‌گرایش وجود دارد و مترجمی مترجم موفق خواهد بود که این سه‌گرایش را همزمان دنبال کند: ۱. گرایش به ثبات که مترجم را ملزم می‌کند نزدیک به متن اصلی ترجمه کند. ۲. گرایش به تغییر که مترجم را ملزم می‌کند محدودیتها و توان زبان مقصد را رعایت کند. ۳. گرایش به تعادل سبکی که مترجم را ملزم می‌کند اثری ادبی بیافریند. از آنجاکه در ترجمه حمیدی این گرایشها دیده نمی‌شود، بحث را با دو مترجم دیگر دنبال می‌کنم.

حقیقت گرایش دوم و سوم را به خوبی به کار گرفته و متنی شیوا و روان ترجمه کرده است، اما گاهی به قیمت قربانی شدن گرایش اول. مثلاً در داستان "وقتی آقای پیرزاده برای شام به خانه ما می‌آمد"، در صفحه ۴۱، می‌خوانیم که "در قسمت شرقی، شهر داکا برای استقلال از سلطه رژیم غربی مبارزه می‌کرد..." در حالی که تمام بخش شرقی از جمله داکا برای استقلال از سلطه رژیم حاکم در بخش غربی مبارزه می‌کردند؛ یا در صفحه ۵۶، دورا را شریک قاشق‌زن معرفی می‌کند حال آنکه قاشق‌زنی از رسوم ما ایرانیان است در شبهایی مثل چهارشنبه سوری، نه رسوم امریکاییان در شب هالووین. وی تقدم و تأخر برخی جملات را منطبق بر گرایش دوم برهم زده که به زیبایی ترجمه وی افزوده است.

دقیقی مترجمی است که ظرافت دوری و نزدیکی به متن اصلی را به خوبی می‌داند و دقت وی در ترجمه ستودنی است. او سه‌گرایش بالا را تا حد بسیاری توانسته همزمان دنبال کند. اما او نیز گاهی گرایش دوم را قربانی کرده. مثلاً در داستان "وقتی آقای پیرزاده برای شام می‌آمد"، در صفحه ۳۰، می‌خوانیم که "مادرم داشت یک قابلمه برنج جوشیده را در آبکش می‌ریخت." در حالی که در فارسی می‌گوییم "مادرم داشت برنج آبکش می‌کرد."

نکته دیگری که در هر دو ترجمه به چشم می‌خورد پانوشتهای مترجمان است که بیشترشان در دو دسته زیر قرار می‌گیرند: ۱. ذکر املاهای انگلیسی اسامی خاص ۲. توضیحات مترجم برای برخی واژه‌ها. توضیح در پانوشته جزو یکی از عادات نویسندگان و مترجمان ما شده که گاهی توهین‌آمیز نیز می‌شود. لاهیری در این کتاب درباره آداب و سنن و فرهنگ مشرق زمین، به خصوص هندیان، برای جامعه‌ای غربی سخن می‌گوید و در مواجهه با واژه‌های گروه ۲ که مترجمان ما پانوشته داده‌اند، هیچ لزومی برای توضیح آنها نمی‌بیند. حال آنکه گاهی توضیح این کلمات در متن ترجمه نه تنها خواننده را از دنبال کردن بی‌وقفه متن باز می‌دارد، بلکه با خواندن آن حس می‌کند به شعور و آگاهی توهین می‌شود. حتی اگر خواننده به طور دقیق هم با برخی از این واژه‌ها مثل مکانها، بازیها یا غذاها آشنا نباشد، دانستن اینکه آن واژه نام مکان، بازی و... است برای فهم داستان کافی است. حال اگر کنجکاو به دانستن دقیق آنهاست این وظیفه خود اوست که با مراجعه به دایرةالمعارفها و فرهنگها معنای دقیق آنها را بیابد. توضیحات

پانوشت برای دریافت چنین مفهومی ناکارايند. مثلاً اسکرابل نوعی بازی برای ساختن کلمات با حروف الفبای مخصوص است به خواننده اطلاعات کافی درباره چگونگی بازی نمی دهد. جز آنکه اسکرابل یک نوع بازی است که بدون مراجعه به پانوشت هم خود می دانست. یا چه اهمیتی دارد که در توضیح چانتی بداند که نوعی ترشی میوه با ادویه تند است. آیا ندانستن آن او را از درک داستان عاجز می کند؟ ضبط لاتین اسامی خاص هم در پانوشت لزومی ندارد، مگر آنکه خواندن آن به فارسی برای خواننده مشکل باشد.

برخی اشکالات چاپی و سهوی نیز در هر دو ترجمه به چشم می خورد. در ترجمه دقیقی در همان داستان در صفحه ۳۳ می خوانیم که "من فقط بچه‌هایی را لوس می‌کنم که قابلیت لوس شدن داشته باشند." حال آنکه منظور کاملاً عکس است: "من فقط بچه‌هایی را لوس می‌کنم که استعداد لوس شدن ندارند." یا در صفحه ۳۷ گفته شده "تخم مرغ پلاستیکی پر از ستاره‌های دارچینی" در حالی که در صفحه ۳۳ "قلبه‌های دارچینی" گفته شده که البته چنین مواردی در ترجمه‌ای با دقت دقیقی بسیار اندک است. مواردی از این دست در ترجمه حقیقت به دلیل دور شدن از گرایش اول بیشتر دیده می‌شود. مثلاً در صفحه ۶۰ می‌خوانیم که "نیروهای پاکستان که ...، تسلیم داکا شدند." حال آنکه نیروهای پاکستان در داکا تسلیم شدند. در فهرست آن اول گزیده‌ای از نقدهای مطبوعات و نویسندگان ذکر شده و بعد مقدمه مترجم. در حالی که در کتاب جایشان برعکس است. یا غلط چاپی صفحه ۴۳، ذکر سال ۱۹۷۴ به جای ۱۹۴۷. در نشانه‌های سجاوندی و پاراگراف‌بندی، دقیقی حساسیت بیشتری داشته و بهتر آنها را به خدمت گرفته است هر چند که خالی از اشتباه نیست.

ترجمان دردها یا مترجم دردها کتابی است خواندنی و گیرا که خواننده حاضر نخواهد شد آن را کنار بگذارد. ترجمه این دو مترجم نیز در گیرایی و هرچه خواندنی تر کردن کتاب بی تأثیر نبوده است.

### کتابنامه

خزاعی فر، علی. "تعداد در ترجمه ادبی"، مجموعه مقالات نخستین همایش ترجمه ادبی در ایران، مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۰.

صلحجو، علی. "پشتوانه نظری و پشتوانه نظریه"، فصلنامه مترجم، سال دهم، شماره ۳۴، بهار و تابستان ۱۳۸۰.